

تحولات جهانی ریسک

از نگاه

EFIC استرالیا

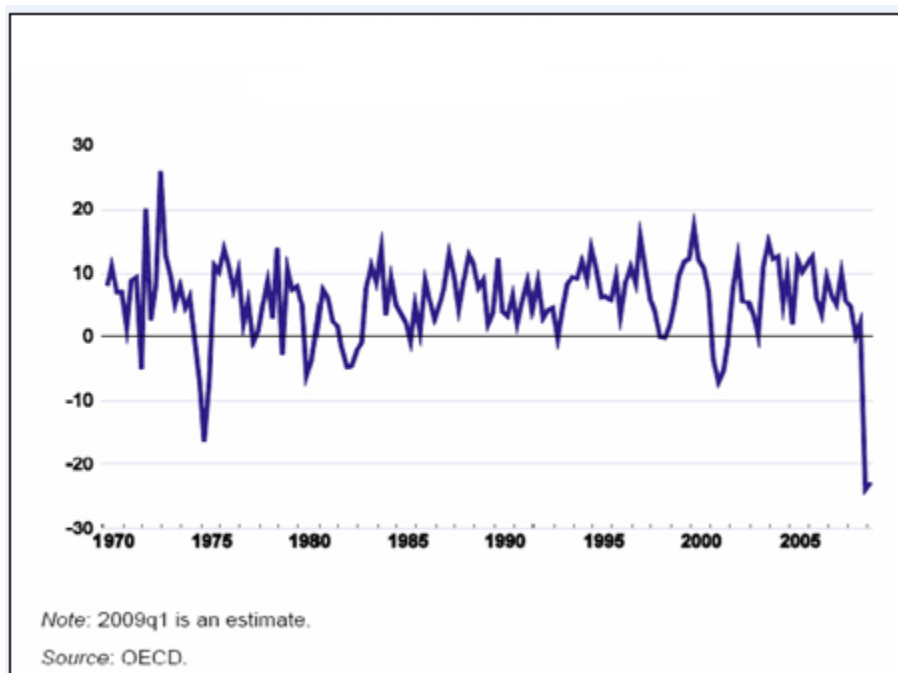
مه ۲۰۰۹

ترجمه : ابوالقاسم عاشری

فروپاشی تجارت جهانی: آماده باش یا مضطرب و نگران باشیم؟

بر اساس گزارش OECD[□] در سه ماهه آخر سال ۲۰۰۸ تجارت جهانی فروپاشید.

رشد تجارت جهانی



در حالت بدتر سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۹ نیز ادامه رکود را در سال ۲۰۰۹ پیش بینی نموده و انتظار می رود به سه دلیل عمده (۱) طبیعت رکود جهانی (۲) هزینه بالای تامین مالی تجاری و (۳) تاثیر زنجیره عرضه بین المللی، حجم تجارت برای این سال تا ۹٪ کاهش یابد.

در طی اعتدال موجود در دو دهه اخیر که منجر به بحران مالی جهانی شد، رشد تجارت جهانی از رشد GDP پیشی گرفت و موجب بی ثباتی اقتصاد جهانی شد، اما اکنون جداول تغییر یافته اند: در طی رکود بزرگ انقباض تجارت جهانی از GDP پیشی گرفته و منجر به بدتر شدن رکود شده است.

تاثیر زنجیره های عرضه بین المللی بر تجارت جهانی و چرخه GDP مهم بوده و نباید نادیده انگاشته شود.

□ - سازمان توسعه همکاریهای منطقه ای

بطور مثال، در گذشته اگر تقاضای آمریکا برای واردات از چین، ۱۰۰ دلار کم می شد به تبع آن صادرات چین و GDP نیز هر کدام ۱۰۰ دلار کم می شدند و متعاقب آن تجارت جهانی ۱۰۰ دلار کم می شد.

اکنون در زنجیره عرضه بین المللی تقاضای آمریکا برای واردات از چین ۱۰۰ دلار کم می شود صادرات چین باز هم ۱۰۰ دلار کم می شود اما از آنجائیکه امروزه کالاها در چین مونتاژ می شوند و ساخت چین نیستند، بنابراین صادرکنندگان چینی که تقاضای صادراتی خود را از دست می دهند واردات قطعات خود از کشورهای همسایه آسیایی را تا ۹۵ دلار کاهش می دهند. نتیجه اینکه GDP چین ۵ دلار و تجارت جهانی ۱۹۵ دلار کاهش می یابد.

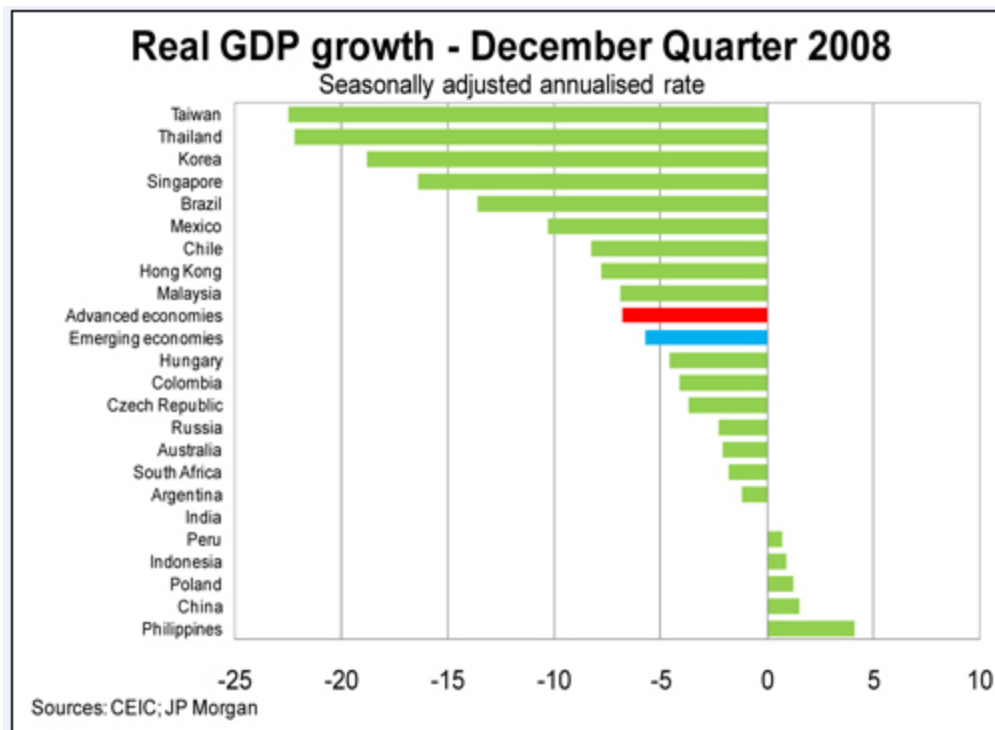
بنا بر تاثیر ضریب تکاثر تجارت خارجی، انتظار می رود مقادیر بیشتری از صادرات، واردات و GDP حذف شود.

اما نکته مهم اینکه فروپاشی تجارت جهانی دیگر همان تاثیر قبلی را بر روی GDP جهان ندارد چون بیشتر تجارت امروز شامل کالاهای واسطه ای می گردد تا کالاهای سرمایه ای و مصرفی. بنابراین فروپاشی تجارت جهانی اهمیت دارد اما نباید در طولانی مدت از دیده فرو ماند.

هیچ اقتصادی تنهاییست: "رکود بزرگ" به همه ضربه می زند

یکی از ناسازگاریهای رکود جهانی فعلی این است که اقتصاد های وابسته به صادرات افت بیشتری را در مقایسه با اقتصادهایی که در کانون بحرانهای مالی قرار دارند تحمل می کنند. چرا؟

نمودار ذیل نرخ رشد GDP برای سه ماهه آخر سال ۲۰۰۸ را در دسامبر ۲۰۰۸ نشان می دهد:



توجه داشته باشید که چطور کشورهای اخیراً صنعتی شده آسیایی و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین دچار فروپاشی عمیق شده اند و اگر این وضع ادامه یابد دچار بحران اقتصادی خواهند شد. در همین حال اقتصادهای پیشرفته که بسیاری از آنها بیشترین انفجار از داخل را متحمل شده اند با دشواری مواجه هستند اما نه به اندازه دشواریهایی که بازارهای نوظهور با آن مواجه هستند و تقریباً از بحرانهای مالی فرار نموده اند حتی کشور تایلند که ریسک سیاسی در آن در حال افزایش است.

به نظر می رسد یکی از دلایل، پیوستگی اقتصاد جهان باشد. تاثیر بحران بر روی کشورهای پیشرفته منجر به کاهش مصرف و سرمایه گذاری آنها شده که این به معنای کاهش تقاضا برای صادرات و بالطبع تنزل صادرات صنایع در بازارهای نوظهور است. نتیجه اینکه وضعیت برای عرضه کنندگان مقتصد کالا به همان اندازه بد است که برای مشتریان ولخرج، چراکه اکنون باید کمربندهایشان را محکمتر ببندند.

بسیاری از بازارهای نوظهور از این موضوع ناراحت هستند و ادعا دارند که ناظران بی گناهی هستند.

هنوز دلیلی برای باور اینکه آنها به سرعت از موقعیت بد سه ماهه چهارم خود عقبتر بروند وجود دارد . بنا بر اطلاعات موجود در پاسخ به قطع تقاضا از سوی اقتصادهای پیشرفته، اقتصادهای نوظهور تولید برای صادرات را با شدت بیشتری قطع کرده و بدنبال ذخائر انبارها رفته اند و زمانی که این ذخائر به اتمام برسد تولید دوباره شروع خواهد شد.

چرا چین ، هند و اندونزی نسبتاً مدیریت خوبی داشته اند؟ چون وابستگی زسادی به تجارت ندارند و بخصوص در چین دولت محرک مالی بزرگی را به بازار ارائه نموده است.

شاید تعجب برانگیز ترین کشور، فیلیپین است که یک اقتصاد باز و به شدت وابسته به وجوه بازگشتی از کارگران و درآمدهایی از صنایعی مثل IT و برون سپاری پروسه های تجاری دارد.

با وجود این موضوع این کشور توانسته از اقتصاد کشورهای دیگر بزرگتر شود. فیلیپین بدون شک امسال صدمات بیشتری را از این رکود خواهد دید اما به نظر می رسد عملکرد خوبی داشته باشد.

آیا GDP جهانی در حال تثبیت است؟

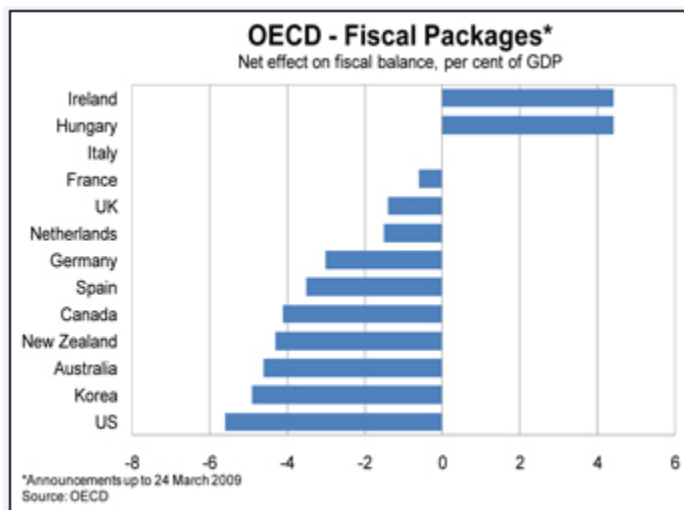


بسیاری از شاخصها نشان دهنده این موضوع هستند که ممکن است نرخ کساد در تولید جهانی آهسته تر شود و راه را برای از سر گیری رشد احتمالی هموار نماید. (شکل روبرو) سه دسته از شاخصها شاهد بر این موضوع هستند که ضعف کمتر بمعنای قوت بیشتر است:

- در سه ماهه منتهی به مارس، GDP چین با شتاب زیادی از ۱ تا ۲٪ در سه ماهه منتهی به دسامبر به ۵٪ رسید. این رشد با افزایش مصارف دولتی و وامهای بانکی تقویت شد.
- مصرف ایالات متحده در همان سه ماهه افزایش یافت و نشانه هایی وجود دارد که بازار مسکن در پائین ترین سطح خود قرار دارد.
- در سطح دنیا، اطمینان تجارت و مصرف کنندگان کاهش یافت و مهمتر اینکه عوامل فشار بانکی کمتر شدند.

اما سؤال این است که آیا بازیافتی وجود دارد؟ به نظر می رسد سهامداران بازار اینگونه فکر می کنند که، رشد ۳۰ درصدی از ابتدای مارس آغاز خواهد شد. برخی افزایشهای احتمالی در تولید مجدد شرکتها پس از کاهش شدید موجودی انبار نیز از اینگونه افکار هستند. اما آیا یک بازیافت قوی و ماندگار وجود دارد؟ دستیابی به یک بازیافت ماندگار مشکل است چون ریشه بحران موجود، عدم توازن بزرگ جهانی بوده است که اکنون منجر به کسریهای مالی شدید و بدهکاری اقتصاد کشورهای پیشرفته و مازاد کالاهای اقتصادی در بسیاری از اقتصادهای نوظهور وابسته به صادرات شده است. هیچ یک از این اتفاقات یک سبه روی نمی دهد. برای اولین بار اقتصاد جهان می تواند به سمت فعالیتهایی سوق پیدا کند که موافقت عمومی را بدنبال داشته باشد تا اینکه عدم رضایتی را موجب شود.

محركهای اقتصادی ریسک دولتی را افزایش می دهد



بسیاری از کشورها سیاست مالی انبساطی را برای مبارزه با رکود بزرگ در پیش گرفته اند (شکل روبرو) اما هزینه مربوطه آن باعث کسر بودجه شده است. در میان کشورهای عضو OECD کسر بودجه ها بطور متوسط ۸٪ GDP بوده و بدهی عمومی به سرعت در حال افزایش می باشد و این موضوع باعث افزایش توجهات به "پایداری

مالی " می شود.

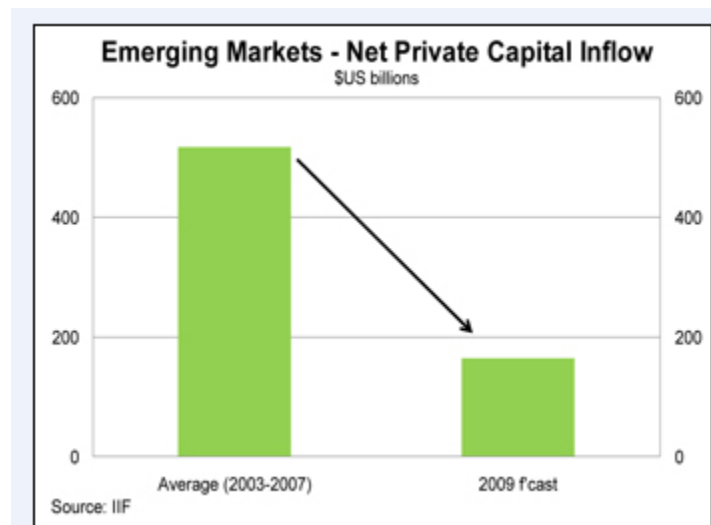
بسیاری از کشورهای دارای رتبه بندی سرمایه گذاری نظیر ایسلند، اسپانیا، ایرلند، پرتغال، یونان، تایلند و روسیه در حال حاضر با از دست دادن رتبه خود مواجه می باشند. منابع مالی قابل ملاحظه چین این کشور را در موقعیت قوی تری قرار داده است، اما نوسان شدید در اعطای تسهیلات بانکی ریسک بدهی های پرداخت نشده را افزایش می دهد. (بانکهای چینی بیش از ۷۵ میلیارد دلار وام در چهار ماهه اول سال ۲۰۰۹ اعطا نمودند که این مبلغ از کل وامهای اعطایی سال ۲۰۰۸ بیشتر است)

دولتها امیدوارند که مصارف آنها تقاضای بخش خصوصی را افزایش داده و آنها را قادر به توقف تدریجی محرکها سازد.

اما محدودیتهای اخذ وام ورکود اقتصادی طولانی ممکن است منجر به تلفیق زود هنگام از آنچه ایده آل پنداشته می شود گردد. ایرلند و مجارستان در حال حاضر به سمت این محدودیتها و اخذ سیاستهای انقباضی پیش رفته اند.

کنترلهای سرمایه ای در حال افزایش

خالص سرمایه های ورودی به اقتصاد کشورهای نوظهور در سال ۲۰۰۹ به نظر در حال کاهش می باشد(نمودار ذیل). این کاهش منجر به متشنج شدن برخی اقتصادهای نوظهور شده و آنها قادر به رفع نیازهای مالی خارجی خود نبوده و این امر آنها را به اعمال کنترلهای سرمایه واداشته است.



ایسلند، اوکراین، آرژانتین، نیجریه، ونزوئلا، اندونزی و زامبیامحدودیت‌هایی را در ابعاد مختلف بر روی میزان در دسترس بودن ارز خارجی اعمال نموده اند. در قزاقستان لایحه ای در دستور کار مجلس سنا قرار دارد که به موجب آن رئیس جمهور می تواند صادرکنندگان را مجبور به تبدیل ارز خارجی آنها به پول قزاقستان(تنج) با نرخ مصوب نماید.

اگرچه خبرهای خوبی هم وجود دارد. کشورهای گروه ۲۰ (G20) افزایشی را در وامدهی IMF از ۲۵۰ میلیارد دلار به ۷۵۰ میلیارد دلار ارائه نموده اند. در نتیجه این سرمایه می تواند از طریق موافقت نامه های قبلی و خط اعتباری انعطاف پذیر فعلی به تامین مالی بیانجامد.

این خط اعتباری انعطاف پذیر برای بازارهای نوظهور با حداقل شرایط موجود و مورد علاقه می باشد. مکزیک، لهستان و کلمبیا متقاضی دریافت خط اعتباری انعطاف پذیر می باشند. سیستم یکپارچه ذخیره آسیا^۲ تحت نظر چیانگ مه^۳ (۱۲۰ میلیارد دلار تا پایان ۲۰۰۹) در صورت نیاز حمایت‌هایی را در قالب نقدینگی اضافی در آسیا ارائه خواهد نمود.

^۲ Asian Reserve Pooling System

^۳ Chiang Mai